



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۲/۱۲/۲۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

## بررسی تفاوت‌های شیوه بیان معانی لغوی کلمات قرآنی در تفسیر المیزان و مجمع البیان

کبری کامیان فر<sup>۱</sup>

۱- سطح سه حوزوی، تربیت مدرس صدیقه کبری (س)

*K.kamianfar@gmail.com*

### چکیده

بررسی تفاوت‌های شیوه بیان معانی لغوی کلمات قرآنی در تفسیر المیزان و مجمع البیان، پی بردن به اختلافات دو تفسیر در نوع بیان معانی کلمات است. آنچه در این بررسی مهم است، بیان جایگاه علم لغت شناسی در فهم معنای کلمات، بیان جایگاه لغت شناسی در المیزان و مجمع البیان و تفاوت‌های شیوه بیان معانی لغوی آنهاست. دانش علم لغت از پیش نیازهای علم تفسیر است که هر مفسری در این راستا روش خاص خود را دارد. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که چه تفاوت‌هایی در شیوه بیان معانی لغوی کلمات قرآنی در تفسیر المیزان و مجمع البیان وجود دارد؟ این نوشتار در صدد آن است که با استفاده از منابع ادبی و با بهره گیری از روش توصیفی - تحلیلی به بررسی تفاوت‌های شیوه بیان معانی لغوی کلمات قرآنی در المیزان و مجمع البیان پرداخته، به روشی منسجم و متقن در فهم معانی لغات قرآن کریم دست یابد. هر دو مفسر در تفسیر خویش به بررسی معانی لغوی کلمات قرآنی پرداخته اند و تفاوت‌هایی در این زمینه وجود دارد. در تفسیر المیزان، به قرینه ی سیاق، معنای مستعمل قرآنی استناد شده است. علاوه بر آن اجتهاد در معناشناسی واژگان قرآنی نیز در شیوه ی لغوی علامه طباطبایی (ره) وجود دارد. در مجمع البیان نیز به احادیث، استناد به اشعار عربی و کلمات مترادف استناد شده است.

کلیدواژه ها: معانی لغوی، مجمع البیان، المیزان، علامه طبرسی (ره)، علامه طباطبایی (ره)



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

## ۱- مقدمه

علم لغت، از اساسی ترین علمی است که مفسر باید بر آن تسلط داشته باشد. شیوه بررسی معانی لغوی، از ضروریات آشنایی با قرآن کریم است. غفلت از این امر، منشأ خطا در فهم آیات الهی خواهد بود.

در مجامع علمی کمتر به مباحث فقه اللغه پرداخته می شود. اما با توجه به نقش آن در ترجمه آیات، وجود اختلاف روش در بیان معانی لغوی بین مفسران قرآن کریم و تأثیری که معانی واژگان در فهم آیات دارد لازم است که بیش از پیش به اینگونه مباحث و موضوعات مرتبط با آن پرداخته شود.

دانشمندان بزرگی در میدان تبیین واژه های قرآن همّت گمارده اند. از جمله ی آنها اَبان ابن تغلب، راغب اصفهانی، سید علی اکبر قرشی است. از آن جا که یکی از لوازم تفسیر صحیح آیات الهی، شناخت معانی لغوی کلمات قرآنی است، مفسران نیز در تفسیر خویش به معنا شناسی لغات قرآنی پرداخته اند. از جمله ی آنها علامه طباطبایی (ره) در تفسیر المیزان و علامه طبرسی (ره) در تفسیر مجمع البیان است.

بررسی معنای لغوی کلمات شیوه ی خاص خود را می طلبد و در این راستا هر مفسری روش خاصی را در جهت بررسی معنای لغوی به کار گرفته است. نوشتار پیش رو در تلاش است تا تفاوت های روش بیان معانی لغوی در بررسی معانی کلمات قرآنی دو تفسیر گران سنگ المیزان و مجمع البیان را از جهت قواعد لغوی، ساختار و روش های اثبات معانی کلمات با یکدیگر مقایسه نماید. تا به روش منسجمی در فهم معانی لغات قرآن کریم دست یابد. لازمه ی آن مقایسه دو تفسیر و استخراج تفاوت های روش لغت شناسی است.

بنابراین، در مقاله حاضر ابتدا جایگاه لغت شناسی بر فهم صحیح معنای کلمات، سپس جایگاه مجمع البیان و المیزان از نظر لغت شناسی و در آخر تفاوت های آن ها در شیوه بیان معانی لغوی کلمات قرآنی بررسی خواهد شد.

## ۲- جایگاه لغت شناسی در فهم معنای صحیح کلمات

قرآن متنی الهی و سرشار از علوم گوناگون است. یکی از مهمترین روشها برای فهم متن قرآن کریم، آشنایی با زبان است که حصول این امر منوط به دقت در نکات ادبی به ویژه معانی لغوی کلمات قرآنی است. دانش لغت شناسی از مهمترین علوم ادبی است که عبارتست از: « دانش کشف معانی واژگان یک زبان با مراجعه ی به معاجم و دیگر منابع معتبر آن زبان » (ر. ک دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه، ۱۰)

قرآن کریم به زبان عربی فصیح نازل شده است. بدیهی است هر کس بخواهد به مفاهیم عمیق آن دست یابد باید زبان آن را بداند. فهم این زبان از طریق آشنایی با علمی مانند لغت، صرف، نحو، بلاغت و ... امکان پذیر است.

در این میان، اهمیت آشنایی با لغت زبان عربی از همه مهمتر و پایه برای سایر علوم ادبیات عربی است. زیرا تا زمانی که معنای لغات قرآنی روشن نباشد نمی توان به مفاهیم عمیق آیات پی برد.

راغب اصفهانی صاحب بزرگترین کتاب در زمینه لغت قرآنی در مقدمه کتاب مفردات قرآن چنین می نویسد:

«اولین دانشی که از میان علوم لفظی لازم است، آن بخشی است که به تحقیق الفاظ مفرد می پردازد که برای درک و فهم قرآن لازم است در حقیقت نخستین یاری کننده برای کسی که می خواهد معنای الفاظ قرآن را بفهمد فراهم نمودن معانی واژه های قرآن و شناخت آنها است. همچنان که تهیه و به دست آوردن وسایل بنایی برای سازنده ساختمان، از نخستین وسایل کار می باشد. شناخت مفردات قرآن نه تنها برای دانش پژوه قرآن سودمند و مفید است بلکه در هر علمی از علوم شرعی مورد استفاده است. اعتماد فقها و حکما در احکام و حکمت هایشان بر آنها است. شعرا و نویسندگان ماهر، خطیبان و بلیغان در نظم و نثرشان از آن الفاظ یاری می جویند.» (راغب اصفهانی، ۵) بنابراین، طبق نظر راغب نیز شناخت معنای لغوی مفردات قرآن برای استنباط معنای آیات الهی ضروری است.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

بسیاری از خطاهای فکری، عقیدتی یا فقهی که در طول تاریخ رخ داده ناشی از برداشت نادرست از الفاظ قرآن کریم است که اگر مفسران به معنای صحیح واژگان دست می‌یافتند از این خطاها در امان می‌ماندند و در نتیجه جامعه دچار انحراف فکری نمی‌شد.

« ضرورت پژوهش درباره مفردات قرآن به دریافت معنای چند واژه محدود نمی‌شود و در بسیاری موارد برای جلوگیری از حمل لفظ بر یکی از دو یا چند معنایش که مراد آیه نیست، می‌باشد. » (ر. ک طیب حسینی ، ۲۸)

زرکشی در این باره می‌گوید: « بدان برای کسی که عالم به حقائق لغت و وضع آنها نیست، شایسته نیست که به تفسیر چیزی از کلام خدا بپردازد. فراگیری موارد آسان از آن در حقیقت، کفایت نمی‌کند. گاهی اوقات، لفظ مشترک است و او یک معنا را می‌داند در حالیکه مراد و منظور خدای متعال چیز دیگری است. » (ر. ک زرکشی ، محققین : مرعشلی ، ذهبی ، کردی ، ج ۱ ، ۳۹۹)

از این رو با توجه به اهمیت و ضرورت مباحث لغوی جهت دست‌یابی به معنای درست از آیه، مفسران قرآن کریم در کتابهای خود بخشی را جهت بررسی معنای لغوی کلمات قرآن پرداخته‌اند. طوری که پرداختن به مباحث لغوی از ضروریات علم تفسیر محسوب می‌شود و بدون پرداختن به آن نمی‌توان به معنای صحیح دست یافت.

برای نمونه « در واژه ی (يَعْقُلُونَ) بدون استفاده از لغت‌شناسی، هم در معنای ماده و هم در معنای صورت کلمه دچار اشتباه می‌شویم. اگر معنای ماده ی (عقل) را به طور دقیق ندانیم، ممکن است آن را بر اساس ارتکازات ذهنی به معنای (اندیشیدن) بگیریم، در حالیکه واژه ی (عقل) را لغویان بزرگی چون ابن فارس، (نگه‌دارنده از سخن و کار ناپسند) معنا کرده‌اند و این معنای (عقل) با (عقال) که به معنای زانو بند شتر می‌باشد مناسبت دارد. همان‌گونه که زانو بند و افسار، شتر را مهار می‌کند، عقل هم مهار نفس را برعهده دارد و او را از ارتکاب گناه باز می‌دارد و به انجام نیکی‌ها سوق می‌دهد. پس معنای اندیشیدن، معنای دقیقی برای این واژه نیست و شاید بتوان اندیشیدن را از لوازم معنای عقل دانست. » (ر. ک دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه ، ۱۸ و ۱۹)

پس، اولین از علومی که یک مفسر به آن نیازمند است، (علم لغت) است. از اینرو مفسرین قرآن کریم در تفسیر آیات الهی به لغت‌شناسی واژگان قرآنی بی‌توجه نبوده‌اند. از جمله ی آنها علامه طباطبایی (ره) در تفسیر المیزان و علامه طبرسی (ره) در تفسیر مجمع البیان هستند که جهت تفسیر آیات قرآن کریم به بررسی معنای لغوی کلمات پرداخته‌اند و از شیوه‌های مختلف در استناد دهی بررسی لغات قرآنی بهره‌جسته‌اند.

### ۳- جایگاه مجمع البیان و المیزان از نظر لغت‌شناسی

لغت‌شناسی کلمات قرآنی و بررسی معنای آنها در تفسیر مجمع البیان از اهمیت بسیار والایی برخوردار است. علامه طبرسی (ره) صاحب تفسیر مذکور با بهره‌گیری از مباحث لغوی، صرف، نحو، بلاغت، بیان اختلاف قرائت‌ها و ... به تفسیر آیات قرآن کریم پرداخته‌است. به همین دلیل تفسیر وی جزء تفاسیر ادبی محسوب می‌شود. مفسر جهت تفسیر آیات، ابواب مختلفی را به طور منظم آورده‌است. وی در ابتداء قبل از تفسیر آیه تحت عنوان القراءه، قرائتهای مختلف را بررسی کرده‌است. سپس مباحثی را با عناوین مباحث اللغه، اعراب، معنی، شأن نزول و تفاسیر آیات پیرامون آیه مورد بحث آورده‌است. آوردن مباحث لغوی تحت عنوان جداگانه در این تفسیر از امتیازات آن محسوب می‌شود.

این مفسر بزرگ در بررسی معنای لغوی کلمه از روشهای مختلفی بهره‌برده‌است. در غالب موارد پس از ذکر ریشه واژه، بیان معنای مختلف کلمه، به اشعار عربی و واژگان مترادف، احادیث معصومین (ع) استناد کرده‌است.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

ویژگی بارز روش لغت شناسی مجمع البیان که آن را از تفسیر المیزان متمایز می کند بهره وری علامه طبرسی (ره) در بررسی معنای لغوی مفردات قرآنی از شواهد اشعار عربی و احادیث معصومین (علیهم السلام)، اشعار عربی و واژگان مترادف است. طوریکه در معنانشناسی کلمات قرآنی فراوان از اینگونه استنادات و شواهد در دست یابی به معنای صحیح بهره برده است. علامه طبرسی (ره) با آوردن نقیض کلمات، نظایر، بیان اقوال مختلف درباره معنای کلمه نسبت به فهم معنای دقیق کلمه اهتمام نموده است. در برخی کلمات با استشهاد به آیاتی که کلمه مورد نظر در آن به کار رفته، بیان مصادر و مشتقات کلمه به بررسی معنای کلمات پرداخته است. استفاده از این روش نشان دهنده جایگاه مهم مباحث لغوی و معنای کلمات در این تفسیر است تا جایی که علامه طباطبائی (ره) در تفسیر المیزان به صورت استناد مستقیم از مباحث لغوی مجمع البیان بهره برده، به قول علامه طبرسی (ره) استناد نموده است.

به عنوان نمونه علامه طباطبائی (ره) معنای کلمه «تَمُور» در آیه «أَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورٌ» (ر. ک سوره ملک ، ۱۶) را با آوردن نظر صاحب مجمع البیان به معنای تردد در آمد و شد می داند و چنین می نویسد که: «کلمه ی مور که مصدر فعل تمور است، به طوری که صاحب مجمع گفته به معنای تردد در آمد و شد است ، نظیر کلمه موج که آن نیز به همین معناست. (ر. ک موسوی همدانی ، ج ۱۹ ، ۶۰۰).

ذهبی نیز درباره ی تفسیر مجمع البیان می گوید که: «مؤلف مجمع البیان تبخّر کاملی در فنون مختلف علم و معرفت داشته است. تألیفش ترتیب خوب و زیبایی دارد. در بحثی از قرائت، لغت، وجوه، اعراب، شرح معانی، شأن نزول، بیان ارتباط آیات و ... به خوبی از عهده برآمده است. ( ر. ک شایسته نژاد ، ۲۱ )

بنابراین ، تشخیص معنای لغوی کلمات در تفسیر مجمع البیان نقش تعیین کننده در فهم معنای آیات دارد. بررسی معنای لغوی کلمات قرآنی در تفسیر المیزان نیز حائز اهمیت است و علامه طباطبائی - رحمه الله علیه - در جای جای تفسیر گران سنگ المیزان بدان پرداخته است .

المیزان از مهمترین تفاسیر قرن چهاردهم هجری قمری است که با توجه به مباحث کلامی ، فلسفی، اجتهادی و ادبی که دارد در میان تفاسیر جهان در اوج قرار گرفته است.

این تفسیر مورد توجه شیعه و سنی است. «مقالاتی در برخی کشورهای عربی درباره این اثر نگاشته و ویژگی های آن را پسندیده اند و هم اکنون در حوزه های اهل سنت قابل پذیرش است و یکی از ارکان مهم تفسیر شیعی در میان پیروان مذهب تسنن «المیزان» است. آیت الله دکتر محمد صادقی می گوید : آنانی از اهل سنت که وسعت نظر و آزاد اندیشی دارند مجذوب مطالب المیزان هستند ، اما گروهی که برخی تعصبات فرقه ای را با فکر و اندیشه خود ممزوج می کنند و نگاهی بدبینانه دارند با المیزان رابطه خوبی ندارند.» ( اصفهانی )

علامه طباطبائی (ره) در این تفسیر گران سنگ از علوم مختلف از جمله کلام، فلسفه، اصول، فقه، ادبیات، روایت و عرفان بهره برده و مطالبی در این موضوعات بیان می دارد. بارزترین ویژگی این تفسیر، آوردن مباحث لغوی و ادبی است. این مفسر بزرگ پس از آوردن آیاتی که وحدت موضوع دارند به بررسی معنای لغوی و مباحث فقه اللغه پرداخته است.

مفسر المیزان، جهت بررسی معنای لغوی کلمات قرآنی از شیوه های مختلفی استفاده کرده است. در برخی موارد با ذکر عبارات کوتاه و گاه بطور مفصل و دقیق تر به بررسی معنای کلمات قرآنی پرداخته است. در برخی موارد نیز آراء لغویان را مطرح کرده است. در نقل اقوال لغوی در برخی موارد نام قائل را می آورد اما گاهی نیز به بیان نظرات سایر لغویون و مفسران قرآن کریم بدون ذکر قائل آنها پرداخته است.

علامه طباطبائی (ره) با بهره گیری از ریشه کلمات، بیان معنای کلمه با توجه به سیاق آیه و بیان ضد کلمات به بررسی معنای لغوی کلمه مورد نظر پرداخته است. وی جز در موارد اندک به بیان مترادف کلمات قرآنی نمی پردازد و توجه چندانی به بهره گیری از واژگان مترادف در دست یابی به معنای لغوی کلمات قرآنی ندارد.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

استشهاد به آیات قرآنی دیگر نیز، از مؤلفه های روش لغوی وی در المیزان است. در برخی موارد علاوه بر معانی مختلف یک واژه، به معنای مُسْتَعْمَلِ قرآنی آن نیز اشاره کرده است.

مفسر بزرگ المیزان در راستای تبیین معنای کلمات در برخی موارد مجتهدانه عمل کرده و نظر خاص خود را ارائه می دهد که در هیچ کتاب و منبعی چنین نظری درباره واژه وجود ندارد. یا پس از ذکر اقوال مختلف به نقد و بررسی آنها بطور دقیق با محوریت آیات قرآن کریم پرداخته است.

بهره وری علامه طباطبایی (ره) از شیوه های مختلف لغت شناسی واژگان قرآنی حاکی از تسلط وی بر علم لغت شناسی، فروق مباحث لغوی و اهتمام ایشان به طرح مباحث لغوی در دست یابی به معنای مقصود آیات الهی است. مهمترین ویژگی روش لغت شناسی المیزان که آن را با روش لغت شناسی مجمع البیان متمایز کرده است: استناد به قرینه ی سیاق، اجتهاد در معنا شناسی واژگان قرآنی و بیان معنای مُسْتَعْمَلِ کلمات قرآنی است.

## ۴ - ویژگی های روش بیان معانی لغات قرآنی در المیزان

از آنجا که هر مفسری برای دست یابی به تفسیر صحیحی از آیات روش خاصی برای بیان معانی لغات به کار می برد که مختص، هر مفسر بوده، با دیگری متفاوت است. در این میان ویژگی روش لغت شناسی المیزان استناد به قرینه سیاق در فهم معنای واژگان، اجتهاد در معنا شناسی واژگان و استناد به معنای مُسْتَعْمَلِ قرآنی در فهم معنای واژگان است.

### الف. استناد به قرینه سیاق در فهم معنای واژگان

سیاق، از قرائنی است که در فهم معنای واژگان مورد استفاده قرار می گیرد. سیاق، زمانی قرینه برای فهم معنا است که نادیده گرفتن آن سبب اختلال به نظم جمله و عدم درک معنای مقصود شود. بی شک هیچ کس نقش سیاق در فهم معنای واژگان را انکار نمی کند. علامه طباطبائی (ره) نیز نقش آن را مهم دانسته، فراوان به قرینه ی سیاق استناد کرده که به ذکر چند نمونه می پردازیم.

**نمونه ی اول:** علامه (ره) با استفاده از قرینه ی سیاق، منظور از واژه «دُعَاءَهُ» در آیه شریفه «وَبَدَعَ الْإِنْسَانَ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا» (ر. ک سوره اسراء، ۱۱)

را مطلق طلب می داند چه به «به لفظ دعا باشد مثل «خدایا مال و اولاد بر من روزی کن و ...» وجه بدون لفظ صورت گیرد و به صورت سعی و عمل بوده باشد، همه اینها دعا و درخواست از خداست، حتی اگر این درخواست از کسی صادر شود که به خدا معتقد نبوده و توجهی به درخواست از خدا ندارد، چون درحقیقت غیر از خدا معطی و مانعی وجود ندارد.» (ر. ک موسوی همدانی، ج ۱۳، ۶۶۱) در این نمونه با استفاده از قرینه سیاق در المیزان به معنای لغوی کلمه پی برده شد.

**نمونه ی دوم:** بررسی معنای کلمه ی «أَنْ تَسْتَقْسِمُوا» در آیه ی شریفه ی «وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ» (ر. ک سوره مائده، ۳) است. علامه طباطبائی (ره) برای بررسی معنای این واژه ابتداء معنای لغوی کلمه ی «أزلام» را می آورد و می نویسد که: «کلمه "ازلام" به معنای ترکه چوبهایی است که در ایام جاهلیت وسیله نوعی قمار بوده.» (موسوی همدانی، ج ۵، ۲۷۰) وی سپس، به بررسی معنای لغوی کلمه ی «أَنْ تَسْتَقْسِمُوا» می پردازد و می آورد که: «عمل "استقسام به وسیله قدام" این بوده که شتری و یا حیوانی دیگر را سهم بندی می کردند، آن گاه ترکه چوبها را برای تشخیص اینکه چه کسی چند سهم می برد؟ و چه کسی اصلا سهم نمی برد؟ یکی پس از دیگری بیرون می کشیدند، و این خود نوعی قمار بوده که شرحش در تفسیر آیه: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ ...» در جلد دوم این کتاب گذشت.» (ر. ک همان)

صاحب المیزان در ادامه به نظر راغب در مفردات را درباره ی این واژه می آورد که: «راغب گفته کلمه: «قسم» به معنای جدا کردن سهم و نصیب است، وقتی گفته می شود من اینطور و به این اقسام تقسیم کردم، معنایش این است که هر سهمی را از دیگری جدا کردم، و قسمت کردن ارث و غنیمت همه به این معنا است که سهم صاحب هر سهمی را از سهم آن



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

دیگری جدا کنی، و این کلمه در قرآن کریم آمده آنجا که می‌فرماید: «لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَفْسُومٌ» و «وَأَنْ تَسْتَفْسِمُوا بِالْأَرْلامِ»

عَلَمَه طَباطبائی (ره) در ادامه با استفاده از قرینه ی سیاق معنای لغوی کلمه ی «أَنْ تَسْتَفْسِمُوا» را چنین می آورد که: «و مراد از استقسام به ازلام که از آن نهی شده، بطوری که از سیاق و زمینه کلام استفاده می‌شود، زدن آن ترکه چوبها بر بدن شتر و یا حیوان دیگر است، که به هر جای حیوان خورد گوشت آن نقطه شتر از آن صاحب چوب باشد. ( ر. ک موسوی همدانی، ج ۵، ۲۷۰) پس، علامه طباطبائی - رحمه الله علیه با استفاده از قرینه سیاق واژه ی استقسام را زدن ترکه چوبها بر بدن حیوان دانست.

## ب. اجتهاد در معنا شناسی واژگان

صاحب المیزان برای معنا شناسی واژگان در بیشتر موارد دیدگاههای اختصاصی دارد و با استفاده از اجتهاد لغوی خویش معنای واژه ها را آورده است. حتی در برخی موارد، با اجتهاد لغوی خویش به نقد و بررسی آراء لغوی می پردازد. این امر ناشی از سیطره ی علمی و شناخت دقیق واژگان قرآنی است که ره آورد تسلط عَلَمَه (ره) بر آیات قرآن کریم و دانش ادبی است.

در ادامه به ذکر نمونه هایی از اجتهاد لغوی عَلَمَه می پردازیم.

**نمونه ی اول:** معنای کلمه ی «لَا تَرْكُنُوا» در آیه ی شریفه ی «وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ» ( ر. ک سوره هود، ۱۱۳) است. مفسر المیزان بعد از اینکه نظر صحاح و لسان العرب که ركون را به معنای «میل کردن به سوی چیزی و تسکین خاطر بوسیله آن است.» ( ر. ک موسوی همدانی ج ۱۱، ۶۶) را بیان کرده، نظر مصباح المنیر را به معنای «اعتماد» ( همان) را آورده است. سپس نظر راغب درباره این واژه را که رکن هر چیز را به معنای «آن ناحیه‌ای که دلگرمی و خاطر جمعی به همان ناحیه است» ( همان) می آورد. در ادامه ی نظر راغب اینگونه آورده که «بطوراستعاره در معنای نیرو هم استعمال شده، همچنان که درقرآن آمده: «لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أَوْ آوِي إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ» ( ر. ک سوه هود، ۸۰) رکن، یرکن - بافتح عین الفعل مضارع - نیزآمده است، و خدای تعالی فرموده «وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا». ( ر. ک سوره هود، ۱۱۳) ولی صحیح‌تر این است که بگوییم: این ماده از دو باب آمده یکی «رکن، یرکن» مانند «نصر، ینصر» و دیگری از باب «رکن یرکن» مانند «علم، یعلم» و در آیه «لَا تَرْكُنُوا» از این باب است، و «نَاقَةٌ مَرَكْنَةُ الضَّرْعِ» آن ماده شتری را گویند که رگ و ریشه پستانش بزرگ باشد و پستان را بزرگ کند، و «مرکن» به معنای طغار کوچک است، و «ارکان عبادات» به معنای آن جوانبی است که بنای هر عبادتی بر آنها نهاده شده، و اگر آن ارکان ترک شود عبادت باطل و ترک شده. و این قریب به همان معنایی است که صحاح گفته است. ( موسوی همدانی، ج ۱۱، ۶۷)

اما عَلَمَه (ره) ركون را به معنای صرف اعتماد یا صرف میل کردن به سوی چیزی نمی داند. وی با استفاده از نوع حرف جرّ به کار رفته معنای جدیدی برای کلمه «لَا تَرْكُنُوا» بیان میکند که در هیچ کتاب لغتی چنین معنا نشده است. وی ركون را به معنای «اعتمادی است که توأم با میل باشد.» ( همان) می داند. دلیل آن هم «استعمال حرف جرّ «إلى» نه حرف جرّ «عَلَى» به همراه این کلمه است.» ( همان) در ادامه توضیح معنای این کلمه می آورد که: « بنا بر این، ركون به سوی ستمکاران، یک نوع اعتمادی است که ناشی از میل و رغبت به آنان باشد، حال چه این ركون در اصل دین باشد، مثل اینکه پاره‌ای از حقایق دین را که به نفع آنان است بگویند، و از آنچه که به ضرر ایشان است دم فرو بندد و افشاء نکند، و چه اینکه در حیات دینی باشد مثل اینکه به ستمکاران اجازه دهد تا به نوعی که دلخواه ایشان است در اداره امور مجتمع دینی مداخله کنند و ولایت امور عامه را به دست گیرند، و چه اینکه ایشان را دوست بدارد و دوستیش منجر به مخالفت و آمیزش با آن شود و در نتیجه در شوون حیاتی جامعه و یا فردی از افراد اثر سوء بگذارد.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

و کوتاه سخن، رکون به این معنا است که در امر دین و یا حیات دینی طوری به ستمکاران نزدیک شود که نزدیکیش توأم با نوعی اعتماد و اتکاء باشد، و دین و خدا و یا حیات دینی را از استقلال در تاثیر انداخته، و از آن پاکی و خلوص اصلیش ساقط کند. « ( همان )

بنابراین ، علامه طباطبائی - رحمه الله علیه - با اجتهاد در لغت رکون را به معنای اعتمادی که توأم با میل باشد ، می داند .

**نمونه ی دوم :** کلمه ی «فَصْرُهَنْ» در آیه ی شریفه ی « قَالَ فَخَذُ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ فَصْرُهَنْ إِيَّكَ » ( ر . ک سوره بقره ، ۲۶۰ ) است.

طبق تفسیر علامه طباطبائی (ره) از آیه شریفه درخواست حضرت ابراهیم (ع) دیدن کیفیت احیاء مردگان بوده نه اصل علم به احیاء مردگان و بنابر این تفسیر کلمه «صْرُهَنْ» به معنای «تقطیع» است.

وی در ادامه تفسیر آیه، نظر مفسر مخالف را مطرح کرده است. مفسر مخالف برای نظر خود پنج دلیل می آورد که یکی از دلایل معنای کلمه «فَصْرُهَنْ» است. این مفسر معنای کلمه را «مانوس شدن و متمایل شدن» ( ر . ک موسوی همدانی ، ج ۲ ، ۵۶۵ ) می داند و برای این معنا دو دلیل ادبی می آورد که علامه (ره) پاسخ آنها را داده و آن را «قطعه قطعه کردن» ( همان ، ۵۶۶ ) می داند.

دلایلی که مفسر مخالف برای معنای «صْرُهَنْ» به معنای مانوس شدن می آورد این است که « دلیل اول: در خود آیه است که می فرماید: «فصرهن» چون معنای این کلمه چنین است: آنها را متمایل کن یعنی میل آنها را به سوی خود ایجاد کن و این همان ایجاد انس است، شاهد ما بر اینکه معنای آن چنین است، متعدی شدن و مفعول گرفتن کلمه به حرف «الی» است، چون فعل «صار- یصیر» وقتی با این حرف متعدی شود معنای متمایل کردن از آن فهمیده می شود و اینکه مفسرین گفته اند: به معنای تقطیع و تکه تکه کردن است، و در آیه معنایش این است که مرغان را بعد از سر بریدن قطعه قطعه کن، با متعدی شدن به وسیله حرف «الی» سازگار نیست، و اما اینکه بعضی گفته اند: کلمه «الیک» متعلق به جمله «خذ» است، نه به جمله «فصرهن» و معنایش این است که چهار مرغ برای خود اختیار کن و آنها را قطعه قطعه کن، معنایی است خلاف ظاهر کلام. « ( همان ، ۵۶۴ )

دلیل دوم استفاده از کلمه «ثُمَّ» است که دارای معنای تراخی است. این مفسر می گوید که: « این بعدیت با معنایی که ما برای «صْرُهَنْ» کردیم، و آن را به معنای مانوس شدن گرفتیم مناسب تر است، و همچنین خود کلمه «صْرُهَنْ» با آن معنا سازگار است، نه با سر بریدن و گوشت و استخوان آنها را کوبیدن. « ( همان ، ۵۶۵ )

علامه در دلیل اول مفسر که صْرُهَنْ را به معنای متمایل کردن و مانوس شدن می داند چرا که با حرف جر الی متعدی شده اینگونه پاسخ می دهد که: « اما جواب از دلیل اول: معنای کلمه «صْرُهَنْ» همان قطعه قطعه کردن است، و اگر با حرف «الی» متعدی شده و مفعول بگیرد دلیل بر آن نیست که به معنای متمایل کردن باشد، بلکه برای این است که کلمه نامبرده علاوه بر معنای «قطع کردن» متضمن معنای «به طرف خود کشیدن» نیز هست، هم چنان که در جمله « الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ » ( ر . ک بقره ، ۱۸۷ ) کلمه «رفث» متضمن معنای «افضاء» هم بوده و با حرف «الی» متعدی شده است. « ( موسوی همدانی ، ج ۲ ، ۵۶۵ )

صاحب المیزان در جواب دلیل دوم مبنی بر استفاده از حرف عطف ثُمَّ که به معنای تراخی و بعدیت را دارد با معنای مانوس شدن تناسب دارد نه با سر بریدن و قطعه قطعه کردن، اینگونه جواب می دهد که: « اما جواب از دلیل چهارمشان این است که: معنای تراخی و تدریج که از کلمه «ثُمَّ» استفاده می شود همانطور که با معنای تربیت مرغان و مانوس کردن آنها تناسب دارد، با معنای ذبح کردن و کوبیدن و جدا کردن اعضای آنها از یکدیگر و گذاشتن هر قسمتی از آن اجزای کوبیده شده را بر سر یک کوه نیز تناسب دارد، و مطلب بسیار روشن است. « ( همان ، ۵۶۸ )



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

همانطور که گذشت علامه (ره) با اجتهاد خویش از طریق تمسک به نوع حرف جرّ و معنای (ثُمَّ) واژه «صُرْهَن» را به معنای «تقطیع» می‌داند.

ج - استناد به معنای مُستعمل قرآنی در فهم معنای واژگان

تفسیر المیزان راه تشخیص معانی الفاظ قرآن کریم را استفاده از استعمال قرآنی در فهم آن می‌داند. زیرا گاه کلمه ای در قرآن کریم به معنای خاصی به کار رفته که آن کلمه در بین مردم به معنای دیگری به کار رفته است. بنابراین استعمال قرآن و معنای قرآنی، مهمترین نقش را در تعیین معنای کلمات ایفا می‌کند. مفسر المیزان درباره تأثیر معنای عرفی قرآنی در فهم آیات، اینگونه می‌نویسد که: «طریق تشخیص مصادیق کلمات قرآنی رجوع به سایر موارد قرآن است، مواردی که صلاحیت تفسیر دارند، نه رجوع به عرف و آنچه را که عرف مصادیق الفاظ می‌داند.» (ر. ک موسوی همدانی، ج ۱۲، ۳۰۵)

پس، منظور از استعمال قرآنی در این نوشتار، معنایی است که کلمه با توجه با استعمال آیات در خصوص آن معنا به کاررفته است. در ادامه به ذکر نمونه هایی از این شیوه می‌پردازیم.

**نمونه ی اول:** طبق تفسیر المیزان کلمه ی «سَيِّئَات» در آیه « **إِنْ تَجْتَنِبُوا كِبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ** » (ر. ک سوره نساء، ۳۲) به معنای «حادثه و یا عملی است که زشتی و بدی را با خود همراه دارد.» (ر. ک موسوی همدانی، ج ۴، ۵۱۳) این کلمه در عرف قرآن کریم به معنای دیگری به کار رفته است. اولین معنای استعمال قرآنی این کلمه، معنای «امور ومصائبی که آدمی را بد حال می‌کند اطلاق می‌شود.» (همان) است که با معنای لغوی آن مرتبط است. اما این کلمه در استعمال قرآن به معنای دیگری از جمله «نتیج معاصی و آثار خارجی و دنیوی و اخروی آن، خو د معصیت، مطلق گناهان چه صغیره و چه کبیره و درموردی این کلمه درخصوص گناهان صغیره» (همان، ج ۴، ۵۱۴-۵۱۳) نیز به کار رفته است.

بنابراین، با استفاده از معنای مستعمل قرآنی، ترجمه واژه «سَيِّئَات» در المیزان روشن گردید.

**نمونه ی دوم:** کلمه ی «ذِكْر» در آیه ی شریفه ی « **فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ** » (ر. ک سوره نحل، ۴۳) به معنای لغوی «حفظ معنای چیزی و یا استحضار آن است و به هر چیزی که آدمی بوسیله آن حفظ شود و یا مستحضر گردد.» (ر. ک موسوی همدانی، ج ۱۲، ۳۷۴) است. صاحب المیزان درباره معنای عرفی این کلمه می‌نویسد که: «در عرف قرآن اگر این کلمه مقید به قیدی نشد معنایش یاد خداست.» (همان، ۳۷۵)

۵- ویژگی های روش بیان معانی لغات قرآنی در مجمع البیان

پس از بیان ویژگی های روش لغت شناسی المیزان، به ذکر ویژگی های روش لغت شناسی مجمع البیان می‌پردازیم. استشهاد به احادیث در فهم معنای واژگان، استشهاد به اشعار عربی و استشهاد به کلمات مترادف از ویژگیهای تفسیر مجمع البیان در بیان معانی لغوی کلمات قرآنی است. اولین ویژگی لغت شناسی این تفسیر شریف استشهاد به احادیث معصومین (ع) در فهم معنای واژگان است که به توضیح آن می‌پردازیم.

الف. استشهاد به احادیث در فهم معنای واژگان

علامه طبرسی (ره) در تفسیر مجمع البیان در برخی موارد پس از ذکر معنای لغوی کلمه، حدیثی از معصومین (ع) را می‌آورد که کلمه در آن به همان معنا به کار رفته است. این از ویژگیهای شاخص مجمع البیان بوده که در تفسیر المیزان جز بطور نادر وجود ندارد. در ادامه مباحث به ذکر نمونه هایی از این شیوه می‌پردازیم.

**نمونه ی اول:** صاحب مجمع البیان کلمه «نَرَى» را در آیه ی شریفه ی « **وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنَنْوُْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَىٰ اللَّهَ جَهْرَةً** » (ر. ک سوره بقره ۵۵) به معنای «دیدن با چشم که سپس به معنای علم استعمال شده» (طبرسی، ج ۱، ۲۴۰) می‌داند. وی پس از بیان مثالی حدیث « **لَا وَ يَتْرَأَى أَحَدُكُمْ بِالْمَاءِ** . و یکی از شما در آب نگاه نمی‌کند.» (همان، ترجمه) را ذکر می‌کند. در این حدیث شریف کلمه ی «یتراءى» به معنای «دیدن با چشم» به کار رفته است.





# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

**نمونه ی دوّم:** کلمه ی «رجز» در آیه ی شریفه ی « فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رَجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ » (ر. ک سوره بقره ، ۵۹) از نظر لغوی به معنای «عذاب» (ر. ک طبرسی ، ج ۱ ، ۲۴۸) است.

مفسّر مجمع البیان برای معنای ذکر شده به حدیث حضرت رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) استشهاد نموده که حضرت در حدیثی درباره بیماری طاعون اینگونه فرموده که: « أَنَّهُ رَجْزٌ عَذَبَ بِهِ بَعْضًا لَأُمَّمٍ قَبْلَكُمْ » یعنی آن عذابی است که خدا بعضی از امتهای پیش از شما را به آن عذاب کرده است. (همان ، ۲۴۸)

ب. استشهاد به اشعار عربی در فعم معنای واژگان

از مهمترین ویژگی های تفسیر مجمع البیان وجود موارد فراوان از اشعار عربی است. مفسّر آن در غالب موارد پس از ذکر معنای لغوی هر کلمه به اشعاری استشهاد کرده که واژه مورد نظر دقیقاً به همان معنای گفته به کار رفته است. نمونه هایی از این شیوه به شرح زیر است.

**نمونه ی اوّل:** کلمه ی «زَعَمَ» در آیه ی شریفه ی « قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ » (ر. ک سوره جمعه ، ۶) در لغت به معنای «قولیست از گمان یا علم که گاهی راست و مطابق با واقع و اکثراً مخالف با واقع است ، و برای همین از باب گمان و علم آمده و عمل آن را انجام می دهد .» (ر. ک مترجمان ، ج ۲۵ ، ۱۶) است.

مفسّر سپس به شعر « فَإِنْ تَزَعَمِينِي كُنْتُ أَجْهَلُ فَيْكُمُ فَإِنِّي شَرِبْتُ الْحِلْمَ بَعْدَكَ بِالْجَهْلِ » به معنای « پس اگر تو خیال میکنی که من در میان شما مجهول و ناشناخته‌ام پس من حلم و بردباری را بعد از تو بجهل خریداری نمودم. » (ر. ک همان) استشهاد کرده است. شاهد مثال « در این شعر کلمه ی «تزعمینی» است که به همان معنای لغوی «گمان» به کار رفته است. » (ر. ک همان) بنابراین ، در تفسی مجمع البیان با استشهاد به شعر عرب معنای واژه مورد نظر استخراج گردید .

**نمونه ی دوّم:** بررسی معنای لغوی کلمه ی «أردأكم» در آیه ی شریفه ی « وَ ذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرْدَأَكُمْ » (ر. ک سوره فصلت ، ۲۳) است. این کلمه از نظر لغوی به معنای «بمعنی اهلاك است یعنی هلاک ساختن، گفته میشود ارداه فردی یعنی او را بهلاکت رسانید و هلاک شد.» (ر. ک مترجمان ، ج ۲۲ ، ۴۰) است. علامه طبرسی (ره) پس از ذکر معنای لغوی به شعر اعشی استشهاد کرده است . اعشی در شعر خود اینگونه گفته است که :

« أ فِي الطَّوْفِ حَفَّتْ عَلَى الرَّدَى وَكَمْ مِنْ رَدٍ أَهْلَهُ لَمْ يَرَمْ »

یعنی: آیا در طوف ترسیدی که هلاک شوم، و چه بسیار هلاک شده‌ای که بستگانش در یک جا آرام نداشتند. (ر. ک همان ، ۴۱)

شاهد در این شعر کلمات «الردی، رد» به معنای هلاک است.

ج . استشهاد به کلمات مترادف

استشهاد به واژگان مترادف از مهمترین ویژگی های تفسیر مجمع البیان است. مفسّر در غالب موارد پس از ذکر معنای لغوی واژگان، معنای مترادف کلمه ی مورد نظر را می آورد. در بهره گیری از کلمات مترادف، « نقش علم لغت در این دست از واژه ها، ذکر تفاوت معنای آنهاست. که در صورت تأیید آن با کاربردهای قرآنی و حصول اطمینان ، می توان با توجه به آن، تفسیر دقیق تری از آیه ارائه کرد و در صورت اطمینان نداشتن به آن، در حدّ یک احتمال در تفسیر آیه است. » (ر. ک طاهری نیا ، ۲۲۱) به ذکر نمونه هایی از این شیوه از تفسیر مجمع البیان می پردازیم.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

**نمونه ی اوّل:** کلمه ی «أبی» در آیه شریفه « فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ » ( ر. ک سوره بقره ، ۳۴ ) به معنای « ترک طاعت » ( ر. ک طبرسی ، ج ۱ ، ۱۶۷ ) است. صاحب مجمع البیان آن را با کلمات « امتنع، الیاء، الترك و الامتناع » ( همان ) هم معنا می داند.

**نمونه ی دوم:** بررسی معنای کلمه ی «باطل» در آیه ی شریفه ی « وَ لَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ ... » ( ر. ک سوره بقره ، ۴۲ ) است. صاحب تفسیر مجمع البیان در باره ی معنای لغوی آن می نویسد که: « باطل - مقابل حق - بیهوده و فاسد » است. ( ر. ک طبرسی ، ج ۱ ، ۱۵۲ ) در ادامه کلماتی که مترادف آن هستند را می آورد و می نویسد که: « کلمات: «بطلان، فساد، کذب و زور» تقریباً همه بیک معنا هستند. » ( ر. ک همان )

## نتیجه گیری :

دانش لغت شناسی از مهمترین علوم ادبی است که عبارتست از : دانش کشف معانی واژگان یک زبان با مراجعه ی به معاجم و دیگر منابع معتبر آن زبان . برای فهم آیات قرآن ابتدا باید با لغات آن آشنا شد تا بتوان به مقصود آیه دست یافت اهمیّت این مطلب برای مفسّران قرآن کریم بیش از سایر جویندگان علم است. مفسّر المیزان و مجمع البیان عنایت ویژه ای به لغت شناسی واژگان قرآنی دارند. طوریکه در تفسیر خویش فراوان به معنا شناسی مفردات قرآنی پرداخته اند. روش بیان معنای لغوی کلمات قرآنی این دو مفسّر در برخی موارد با یکدیگر مشترک بوده و در برخی موارد نیز با یکدیگر اختلاف دارند.

شیوه ی دو تفسیر المیزان و مجمع البیان در بررسی معنای لغوی با یکدیگر اختلافاتی نیز دارد. روش اختصاصی علامه طباطبایی (ره) در استناد به قرینه سیاق در فهم معنای واژگان، اجتهاد در معنا شناسی واژگان و استناد به معنای مستعمل قرآنی است. وی در لغت شناسی واژگان درصدد است که علاوه بر مراجعه ی به منابع لغوی معتبر، معنای واژه را باتوجه به بافت آیات و با توجه به فضای معنایی حاکم بر آیات بررسی نماید.

وی اجتهاد خاصی در مباحث لغوی دارد طوری که به نقل اقوال اکتفاء نموده و به بررسی و نقد دقیق آنها پرداخته تا با توجه به آیات قرآن کریم معنای جدیدی را در برخی موارد برای واژگان ارائه دهد.

روش اختصاصی علامه طبرسی (ره) در مجمع البیان در لغت شناسی واژگان قرآنی در استناد به احادیث در فهم معنای واژگان، استناد به اشعار عربی در فعم معنای واژگان و استناد به کلمات مترادف است.

علامه طبرسی (ره) بیشتر به نقل اقوال لغوی گرایش دارد و درصدد است که با استناد به اشعار عرب به معنای واژگان دست یابد. در غالب موارد نیز از احادیث بهره برده است. نظرات دانشمندان لغوی در استناد به این دو منبع متفاوت است و در معتبر بودن استناد به این موارد اختلاف وجود دارد.

دیگر شیوه ی اختصاصی علامه طبرسی (ره) استناد به کلمات مترادف است. که در اصل وجود ترادف بین علماء علوم ادبی اختلاف نظر وجود دارد که غالباً قائل به عدم ترادف در قرآن کریم هستند. بررسی این شیوه ی علامه طبرسی (ره) حاکی از آن است که وی قائل به ترادف جزئی بین کلمات است. زیرا پس از بیان ترادف کلمات در غالب موارد به بیان تفاوت معنوی واژگان متقارب المعنی پرداخته است. در مقابل علامه طباطبایی (ره) توجه چندانی به بهره بردن از ترادف کلمات در دست یابی معنای لغوی واژگان ندارد. با ترکیب شیوه بیان معنای لغوی این دو تفسیر میتوان به روش منسجمی در فهم و بیان معنای لغوی مفردات قرآنی دست یافت .



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

منابع

✽قرآن کریم

- اصفهانى، عبد الله، مقاله: مزایا و محاسن تفسیر المیزان (از منظر علمای جهان اسلام)، [maarefquran.org/index.php/page,view\\_arhcle/linkid,7441](http://maarefquran.org/index.php/page,view_arhcle/linkid,7441)، دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیّه، در آمدی بر لغت شناسی، قم، مرکز مدیریت حوزه های علمیّه خاوران، ۱۳۹۴.
- راغب اصفهانى، حسین ابن محمد، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ج ۲، چاپ دوم، تهران، مرتضوى، ۱۳۷۴.
- زرکشی، محمد بن بهادر، البرهان فی علوم القرآن، محقق: مرعشلی، یوسف عبد الرحمن، ذهبی، جمال حمدی، کردی، ابراهیم عبدالله، ج ۱ و ۲، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۰.
- شایسته نژاد، علی اکبر، طبرسی در تفسیر مجمع البیان، ناشر: خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۹.
- طاهری نیا، احمد، نقش علوم ادبی در تفسیر قرآن (صرف، نحو، بلاغت)، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی - رحمه الله علیه - چاپ ۱، ۱۳۹۴.
- طیب حسینی، محمود، درآمدی بر دانش مفردات قرآن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ناشر همکار: مرکز مدیریت حوزه های علمیّه خاوران، ۱۳۹۳.
- مترجمان، ترجمه مجمع البیان فی آیات القرآن، ج ۱، ۲۵، ۲۲، تهران، انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰.
- موسوی همدانی، سید محمد باقر، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۹، ۱۳، ۵، ۱۱، ۲، ۱۲، ۴، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه علمیّه قم، ۱۳۷۴.